

نگاه راهبردی رهبر شهید انقلاب به نیروهای مسلح چگونه ناجی کشور در جنگ رمضان شد

ریشه‌های قدرت دفاعی ایران

گزارش

علی‌غرض‌خواه
گروه سیاسی

آنچه در جنگ ۴۰ روزه اخیر به نمایش درآمد، بیش از آنکه یک پیروزی یا موفقیت مقطعی باشد، تجلی یک دکترین و یک مسیر تاریخی است که در چهار دهه گذشته طی شده است. مسیری که بر پایه استقلال، خودباوری و خودکفایی نیروها شکل گرفته و حالا توانسته است در یکی از سخت‌ترین آزمون‌های خود، کارآمدی‌اش را با وضوح هرچه تمام نشان دهد. از حفظ انسجام در شرایط ترور فرماندهان، تا تداوم قدرت آفندی در اوج فشار و حملات بر تعداد دشمن، از رقم زدن اولین‌های دنیا در هدف قرار دادن پایگاه‌ها و تجهیزات آمریکا، تا نمایش توانمندی‌های پیشرفته موشکی، همه اینها نشان می‌دهد که این دستاوردها، حاصل یک نگاه کلان و بلندمدت بوده است.

یعنی آنچه امروز به عنوان صلابت نیروهای مسلح ایران شناخته می‌شود، بیش از هر چیز، مرهون همان رویکردی است که برای نیروهای مسلح، استقلال را به عنوان یک اصل بنیادین تعریف کرد و خودکفایی را به یک ضرورت راهبردی تبدیل ساخت. رویکردی که مشخصاً توسط رهبر شهید انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تمام ۳۵ سال گذشته ایده‌پردازی، تئوریزه و اجرایی شد. حال‌ا که جنگ به‌طور موقت متوقف شده و چهلمین روز شهادت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرا رسیده، خالی از فایده نخواهد بود این مسیر طی شده را از جنگ کنونی به سمت مبدأ دوباره مرور کنیم.

جنگی که با طراحی و حملات تجاوزکارانه ایالات متحده و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شد، اکنون در ایستگاه روز چهلیم و با پذیرش توافق پس از سوی آمریکا به یک توقف موقت دو هفته‌ای رسیده است. توقفی که بیش از آنکه نشانه پایان این جنگ باشد، گویای شکست یک پروژه بزرگ و چندلایه علیه کشورمان است. پروژه‌ای که بر اساس محاسبات اولیه، قرار بود در بازه‌ای بسیار کوتاه، مثلاً ظرف مدت ۷۲ ساعت، به فروپاشی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، از کار افتادن توان نظامی ایران و ایجاد یک تغییر بنیادین در موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع رژیم صهیونیستی منجر شود.

اما آنچه در میدان رخ داد، نه تنها این سناریو را متحقق نکرد، بلکه تصویری کاملاً معکوس از واقعیت قدرت ایران برای آمریکا و دنیا به نمایش کشید. در واقع، جنگی که با هدف «ضربه سریع و قاطع» طراحی شده بود، به یک نبرد فرسایشی تبدیل شد که در آن، طرف آغازگر نه تنها به اهداف خود نرسید، بلکه در

نهایت ناچار شد با پذیرش آتش‌بس، مسیر خود را تغییر دهد.

در این میان، یکی از مهم‌ترین نقاط تمرکز دشمن در روز ابتدایی جنگ، هدف قرار دادن ساختار فرماندهی نیروهای مسلح ایران بود. ترور و شهادت فرماندهان عالی‌رتبه، بخشی از راهبردی بود که با هدف ایجاد اختلال در زنجیره تصمیم‌گیری و فروپاشی انسجام عملیاتی دنبال می‌شد. برآورد آمریکا و اسرائیل این بود که حذف فرماندهان کلیدی نیروهای مسلح، به سرعت موجب سردرگمی، تأخیر در واکنش و در نهایت از کار افتادن سیستم دفاعی و تهاجمی ایران خواهد شد.

اما آنچه در عمل رخ داد، خلاف این تصور بود. با وجود شهادت فرمانده کل قوا و تعدادی از فرماندهان ارشد، نه‌تنها خللی در روند فرماندهی و کنترل ایجاد نشد، بلکه سیستم نظامی کشور با سرعتی قابل توجه خود را بازسازی کرد. انتخاب رهبری جدید، جایگزینی فرماندهان، انتقال مسئولیت‌ها و تداوم عملیات‌ها، به گونه‌ای انجام شد که نه تنها نشانه‌ای از فروپاشی دیده نشد، بلکه نوعی پویایی و انعطاف‌پذیری در ساختار فرماندهی به نمایش درآمد. چه آنکه برخلاف جنگ ۱۲ روزه که پاسخ‌های ایران چند ساعت پس از حملات رژیم صهیونیستی آغاز شد، در این جنگ به فاصله تنها یک ساعت، ایران حملات تکریبی خود به سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های ایالات متحده را آغاز کرد. این اتفاق، به خوبی نشان داد که نیروهای مسلح ایران بر پایه یک ساختار نهادمند و چندلایه شکل گرفته‌اند. ساختاری که وابسته به افراد نیست، بلکه بر اساس یک دکترین مشخص و نهادینه شده عمل می‌کند.

شکستن خطوط قرمز دنیا؛ وقتی پایگاه‌های آمریکا هدف قرار گرفتند

یکی از مهم‌ترین ابعاد این جنگ، عبور ایران از خطوط قرمزی بود که طی دهه‌های گذشته، کمتر کشوری جرأت یا توان عبور از آنها را داشت. برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم و تثبیت جایگاه ایالات متحده به عنوان قدرت مسلط نظام بین‌الملل، تمام پایگاه‌های نظامی این کشور در منطقه به صورت گسترده و هدفمند مورد حمله قرار گرفتند.

در کنار این، اولین‌های دیگری نیز رقم خورد. مانند شناسایی و رهگیری گنبد فوچو پدیده‌شده اف‌۳۵ که برای نخستین بار در دنیا اتفاق افتاد. یا مثلاً انهدام دقیق یک فروند هواپیمای آواکس توسط پهپاد انتحاری شاهد، یا هدف قرار دادن ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن. به این لیست باید انهدام چند فروند هواپیمای سوخت‌رسان، چند فروند اف‌۱۵ و چند بالگرد را هم اضافه کرد. همه اینها بیانگر سطحی از پیشرفت است که نتیجه سه سال‌ها سرمایه‌گذاری در حوزه بومی سازی فناوری‌های دفاعی است.

اما نکته کلیدی در این میان، تداوم قدرت



داد و از ایجاد خلأ در فرماندهی جلوگیری کرد. علاوه بر تداوم قدرت تصمیم‌گیری در نیروهای مسلح پس از شهادت رئیس ستادکل نیروهای مسلح، فرمانده کل سپاه پاسداران و وزیر دفاع، تداوم اعمال کنترل هوشمند نیروی دریایی سپاه در تنگه هرمز پس از شهادت درباردار تنکسیری نیز این گزاره را تأیید می‌کند.

این سطح از تاب‌آوری، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های قدرت در جنگ‌های مدرن است. در شرایطی که بسیاری از ارتش‌ها به شدت به فرماندهان کلیدی وابسته هستند، ایران توانسته است مدلی را پیاده‌سازی کند که در آن، سیستم بر فرد تقدم دارد. این ثمره نگاه راهبردی رهبر شهید انقلاب اسلامی به خودکفایی نیروهای مسلح در تمام چهار دهه گذشته است.

نیست، بلکه نشان دهنده سطحی از بلوغ فناوری و عملیاتی بود که بدون اتکا به خارج و صرفاً بر پایه خودباوری داخلی به دست آمده است.

ساختار مقاوم، نیرویی که به افراد وابسته نیست

در کنار تجهیزات و فناوری، یکی از مهم‌ترین عوامل در عملکرد موفق نیروهای مسلح ایران، نوع ساختار و فرهنگ سازمانی حاکم بر آنهاست. این ساختار، به گونه‌ای طراحی شده که وابستگی به افراد به حداقل برسد و سیستم بتواند در شرایط بحرانی، با حفظ کارایی به فعالیت خود ادامه دهد.

در جریان همین جنگ، این ویژگی به وضوح قابل مشاهده بود. با شهادت فرماندهان ارشد، سیستم به سرعت واکنش نشان

در طول سال‌های بعد و با همت و رهنمودهای ویژه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، برنامه موشکی ایران با اتکا به ظرفیت‌های داخلی، اعتماد به نیروی انسانی داخلی و بدون تکیه بر خارج، به تدریج توسعه یافت. این مسیر، مسیری ساده و بدون مانع نبود. تحریم‌ها، فشارهای بین‌المللی و محدودیت‌های فناوریانه، همگی موانعی بودند که باید از آنها عبور می‌شد. اما نتیجه این تلاش مستمر، شکل‌گیری یکی از پیشرفته‌ترین برنامه‌های موشکی در منطقه و حالاً می‌توان گفت در جهان بود.

در جنگ اخیر، این توانمندی به صورت عملی به نمایش درآمد. زمان‌هایی که موشک‌های ایرانی می‌توانستند از سامانه‌های پدافندی چندلایه دشمن آمریکایی-صهیونیستی عبور کرده و با دقت بالا به اهداف تعیین شده اصابت کنند. این تنها یک موفقیت نظامی



نگاه کلان رهبر شهید به مقوله امنیت، مبتنی بر این اصل بود که اتکا به قدرت‌های خارجی، نه تنها امنیت‌آفرین نیست، بلکه می‌تواند به یکی از بزرگ‌ترین نقاط آسیب تبدیل شود. تجربه تاریخی ایران، به‌ویژه در دوره‌های پهلوی پدر و پسر، نشان داده بود که وابستگی نظامی به خارج، در بزنگاه‌های حساس، کشور را با بحران مواجه می‌کند. مثل اتفاقی که در شهریورماه ۱۳۲۰ و با اشغال

بر همین اساس، از همان آغاز دوره رهبری شهید خامنه‌ای، راهبرد اصلی در حوزه دفاعی، حرکت به سمت بومی‌سازی کامل و قطع وابستگی تعریف شد. این راهبرد، به صورت گام به گام و با سرمایه‌گذاری مستمر در حوزه‌های مختلف دنبال شد. از توسعه صنایع دفاعی گرفته تا تربیت نیروی انسانی متخصص و ایجاد زیرساخت‌های تحقیقاتی پیشرفته.

از دست خالی تا قدرت نظامی

یکی از روشن‌ترین نمودهای این مسیر، تحول در حوزه موشکی یا بهتر بگوییم آغاز مسیر موشکی شدن ایران است. حوزه‌ای که امروز به ستون فقرات قدرت نظامی ایران تبدیل شده است. در سال‌های پایانی جنگ تحمیلی، ایران حتی در تأمین ابتدایی‌ترین تجهیزات دفاعی با محدودیت مواجه بود. توان تولید داخلی در حوزه موشکی اساساً وجود نداشت و کشور ناچار بود با امکانات محدود و در شرایط سخت، نیازهای خود را تأمین کند. اما همین محدودیت‌ها، به انگیزه‌ای برای حرکت به سمت خودکفایی تبدیل شد.

در شهریورماه ۱۳۲۰ و با اشغال توسط قوای متفقین رخ داد.

در شهریورماه ۱۳۲۰ و با اشغال توسط قوای متفقین رخ داد.



برش

«خودکفایی» و «خودباوری» در کلام رهبر شهید

یکی از ستون‌های محکم در تقویت کشور، نیروهای مسلح هستند. مسئولان نیروهای مسلح باید راهکارهای نو و روزآمد را برای تقویت نیروهای مسلح در پیش بگیرند که از جمله آنها هوشمندسازی در آموزش‌ها و در ابزارهای نظامی است که به‌مدانه در نیروهای مسلح ما شروع شده، لکن میدان کار هنوز خیلی باز است. (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح ۱۴۰۱/۷/۱۱)

آنچه من تأکید می‌کنم این است که پیشرفت‌های کشور در زمینه‌های تسلیحاتی و در زمینه‌های آمادگی‌های رزمی باید همچنان طریق پیشرفت را ادامه دهد؛ دشمنان ما این را نمی‌خواهند. (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴/۱۱/۳۰)

تحریم‌ها موجب شد که در بسیاری از چیزهایی که خودکفایی نداشتیم، به خودکفایی برسیم؛ کارهای بزرگی را در زمینه تولیدات صنعتی و نظامی و غیرنظامی در کشورمان شاهد باشیم. (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۰/۶/۱۶)

نتیجه آن تجربه‌ها و اعتماد به نفس این شد که ملت ایران به جایی برسد که سلاح‌هایی که خودش تولید می‌کند، در منطقه بخشی‌اش درجه یک و بی‌نظیر باشد، بخشی هم کم‌نظیر باشد. ما احساس کردیم که باید به خودمان تکیه کنیم. جوان‌های ما به خودشان تکیه کردند. (بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۳)

آمادگی نیروهای مسلح برای حکومت اسلامی یک ضرورت است. آمادگی همیشگی، آمادگی برای حمله نیست بلکه باعث می‌شود دشمن از فکر حمله به حکومت اسلامی ترس داشته باشد. (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش ۱۳۹۴/۲/۷)

دشمنان تصویری کردند با حذف فرمانده کل قوا و ادامه‌تتی چنداز فرماندهان نظامی و شخصیت‌های سیاسی شیرازه نظام‌ها هم می‌باشد. اما این گونه‌نشد. این تداوم انجام وظایف در غیاب رهبر فقیدآیا ارتباطی به شهید رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در کشور داری دارد؟

یکی از نکات مهمی که در مدیریت ایشان وجود داشت، همین توجه به نهادها و تقسیم وظایف میان آنها بود. خاطرهم هست زمانی که عضو کمیسیون تحقیق مجلس خبرگان بودم، همراه با جمعی از اعضا خدمت ایشان رسیدیم. در آن جلسه شهید رئیسی نیز حضور داشتند و افرادی مانند آقای حسینی بوشهری و آقای مصباحی مقدم نیز در جمع بودند. برخی از دوستان دربار مسائل اجرایی کشور نکاتی را مطرح کردند و برخی دیگر نیز درباره مسائل قضایی سخن گفتند. پس از پایان صحبت‌ها، رهبر انقلاب فرمودند: «مسائلی که مطرح می‌کنید ارتباطی با جایگاه رهبری ندارد. اگر درباره مسائل اجرایی سخنی دارید، رئیس‌جمهوری در اینجا حضور دارد و باید با ایشان مطرح کنید.» ایشان تأکید کردند که هر مسأله‌ای باید در جایگاه و نهاد مربوط به خود پیگیری شود. این نشان می‌داد که نگاه ایشان به ساختار اداره کشور کاملاً منظم و مبتنی بر نهادهاست. به همین دلیل، دشمنان تصویری کردند اگر رأس نظام را هدف قرار دهند، ساختار کشور دچار اختلال می‌شود؛ اما چنین نشد.

زیرا هر بخش از نظام، ساختار و سلسله‌مراتب خود را دارد و بر اساس همان چهارچوب عمل می‌کند. البته در کنار این مسأله، لطف و عنایت الهی و مجاهدت مردم نیز نقش مهمی داشت. با این حال، واقعیت این است که نگاه نهادی در مدیریت کشور باعث شد دشمن به هدف خود نرسد. در نهایت باید گفت هرچند شهادت ایشان ضایعه‌ای بزرگ و غمی سنگین برای جامعه اسلامی بود، اما جمهوری اسلامی همچنان با قوت به مسیر خود ادامه می‌دهد و دشمنان نیز به خوبی از این واقعیت آگاه شده‌اند.



شخصیت برای جامعه تبیین شود. خود مردم نیز در دیدارها یا در فضای مجازی بارها به هوش، پشتکار و تلاش بی‌وقفه ایشان اشاره کرده‌اند. در همین زمینه بد نیست خاطره‌ای نقل کنم. روزی در مشهد خدمت آیت‌الله صروری بودم و درباره ماجرای شهادت ایشان صحبت شد؛ اینکه چگونه این حادثه رخ داد. ایشان نقل کردند که ظاهراً برخی از فرماندهان سپاه به رهبر انقلاب پیشنهاد داده بودند که به مکانی امن‌تر منتقل شوند. اما ایشان پرسیده بودند که آیا در آن مکان امکان انجام کارهایشان وجود دارد یا خیر. وقتی مشخص شده بود که چنین امکانی فراهم نیست، ایشان حاضر نشده بودند محل کار خود را ترک کنند. پاسخ‌های دیگری نیز در این باره شنیده‌ام؛ از جمله اینکه فرموده بودند چگونه ممکن است از مردم بخواهیم در صحنه حضور داشته باشند اما خودمان به مکانی امن برویم. این نشان دهنده همان روحیه پشتکار و مسئولیت‌پذیری بود. اگر به سخنرانی‌های ایشان نگاه کنید، می‌بینید که چه حجم عظیمی از خطابه‌ها و بیانات را در طول سال‌ها ارائه داده‌اند؛ چه در دیدار با مسئولان و چه در مناسبت‌های مختلف. این نشان می‌دهد که

و از دوستان قدیمی رهبر انقلاب که با پدر بنده نیز دوستی داشت، خاطره‌ای برای من نقل می‌کرد. ایشان می‌گفت زمانی که آقا به ریاست جمهوری رسیدند، بر اساس همان رقابت قدیمی به دیدارشان رفتم. در آن دیدار متوجه شدم که ایشان حتی پیش از گذشته در خدمت به میهمانان پیشقدم هستند. قدسی می‌گفت در برخی موارد که پیش‌تر فرزندان ایشان برای آوردن چای اقدام می‌کردند، این بار خود ایشان چنین کاری را انجام می‌دادند. وقتی از ایشان پرسیدم چرا چنین می‌کنید، فرمودند که این عنایت‌ها و مسئولیت‌ها نباید انسان را فریب دهد یا دچار غرور کند. این روحیه تواضع در ایشان بسیار برجسته بود. هرچه جایگاه و مسئولیت ایشان در نظام بالاتر می‌رفت، این تواضع بیشتر جلوه می‌کرد؛ همان وصفی که در قرآن درباره «عبدالرحمن» آمده است.

رفتار ایشان همگی جلوه‌ای از همان معارف دینی بود. برای مثال، توجه ویژه ایشان به انسان‌های ضعیف، محرومان و نیازمندان، با تأکید بر خدمت به مردم و همچنین سرسختی و ایستادگی در برابر طاغوت، همگی برگرفته از برداشت‌های قرآنی و آموزه‌های دینی بود. همچنین اخلاصی که در رفتار ایشان دیده می‌شد، بدون هیچ‌گونه منیت یا احساس برتری، بسیار قابل توجه بود. من خودم در دیدارهایی که با ایشان داشتم چه در مجلس خبرگان و چه در جلسات مرتبط با کمیته امداد حتی به اندازه ذره‌ای احساس نکردم که جایگاه و مقامی که ایشان داشتند بر رفتارشان تأثیر گذاشته باشد. بالاخره ایشان مدتی رئیس‌جمهوری بودند و سال‌های طولانی نیز رهبری کشور را بر عهده داشتند. اما هیچ‌گاه ندیدم که این جایگاه باعث تغییر در مشی و رفتار ایشان شده باشد. این را شخصاً و به‌صورت عینی مشاهده کرده‌ام.

البته پیش از آن نیز درباره این ویژگی‌ها شنیده بودم. مرحوم قدسی، از شاعران معروف مشهد

محسن کارزونی، عضو پیشین خبرگان رهبری در گفت‌وگو با «ایران»:

نگاه رهبری به اداره کشور مبتنی بر کارایی نهادها بود

گزارش

گروه سیاسی - در گفت‌وگو با آیت‌الله محسن کارزونی، عضو پیشین مجلس خبرگان رهبری از او پرسیده‌ام که مجموعه آموزه‌های به جای مانده از رهبر شهید را می‌توان تحت عنوان «مکتب خامنه‌ای» یاد کرد؟ آیت‌الله کارزونی همزمان با پاسخ به این سؤال مروری هم کرده‌اند به برخی از ویژگی‌های متمایزکننده آیت‌الله خامنه‌ای و با نقل خاطراتی از دیدارهای مختلف با ایشان، تأکید دارند که رهبر شهید بر اداره کشور بر اساس قانون و انجام وظایف نهادها تأکید داشته‌اند و همین اهتمام هم به آن شد که اداره کشور مبتنی به فرد نباشد چنانکه بعد از شهادت ایشان دفاع از کشور و اداره امور مردم به خوبی انجام شد.

رهبر انقلاب اسلامی، شهید آیت‌الله خامنه‌ای، بیش از سی سال رهبری کشور را بر عهده داشتند و در فراز و فرودهای مختلف، کشور را اداره و مدیریت کردند. آیامی‌توان مکتب ایشان را به عنوان شیوه‌ای از حکمرانی برای آیندگان در اداره جامعه در نظر گرفت؟ چون ایشان یک روحانی و پژوهشگر دینی بودند و از سال‌های جوانی با معارف دینی انس داشتند، از همان دوران خطوطی از معارف قرآنی را استخراج می‌کردند. چه در زمانی که در مشهد بودند و در سنین نوجوانی و جوانی جلسات قرآنی داشتند و به بیان معارف قرآن می‌پرداختند - که مربوط به قبل از انقلاب بود- و چه بعد از انقلاب که در مسئولیت‌های مختلف قرار گرفتند، این ذهن آفته به معارف دینی در شخصیت ایشان نقش اساسی داشت. به همین دلیل، و چه بعد از انقلاب که معارف دینی از ایشان شخصیتی ساخت که اگر بخواهیم از آن با تعبیر «مکتب» یاد کنیم، تعبیر بی‌راهی نیست. سخنرانی‌ها، کلمات، مشی